

### دینی که ادا شد

**نگاه**  
**دنیا حیدری**

بود و بسیاری را در آغوش خود گرفته و به کام مرگ برده بود، آنها که مانده بودند نیز دستشان از همه جا کوتاه بود، یسا عزیزی زیر آوار داشتند یا خانه‌های خود را ویران بر زمین می‌دیدند. فریاد و شیون را اما نه فقط در کرمانشاه که در تمام شهرهای ایران می‌شد دید. کرمانشاه خاکش لرزیده بود و تمام ایران دل و جانش، اما بها دادن به اشک و گریه یا تماشا کردن مصیبت در شوک، نمی‌توانست چاره کار باشد و دردی دوا کند. باید آستین‌ها بالا زده می‌شد برای یاری. برای مرهم گذاشتن بر دل‌های زخمی. برای دادن آبی به دست پدران داغ‌دیده، مادران زخم‌خورده و کودکانی که چند ساعت پیش در کانون گرم خانواده بودند و حالا با یک لرزش چند دقیقه‌ای، پسوند یتیمی را با خود می‌کشیدند. زمان زیادی تکشید تا مردم دست به کار شدند و در این بین، جامعه ورزش، مثل همیشه پیش‌فراول بود. از مبال آوران المپیک گرفته تا آقای گل جهان. پهلوان تشک کشتی و بازیکنان فوتبال و والیبال، از المپیک‌ها تا پارالمپیک‌ها. این بار اول نبود. پیشتر هم شاهد بودیم که ورزش زیر دین مردم نمی‌ماند. درست‌مثل روزی که بم لرزید و عایدزاده هر آنچه لازم بود را بار پلیزش کرد و او راه جاده را در پیش گرفت. این بار اما تجربه‌های بیشتر بود. امثال دایی نه فقط اتومبیل خود که تریلرها را راهی کردند. با دست‌دراز کردن به سوی مردم، با دست‌به‌جیب شدن و با کمر همت بستن، جامعه ورزش یک بار دیگر دست به دست هم داد برای ادای دین به مردمی که سالیان سال آنها را تشویق کرده و برای موفقیتشان دست‌به‌دعاشده بودند. حالا زمان جبران بود. برای آنهایی که عمری در کنارشان بودند و حالا نیازمند حمایت، یک بار دیگر، روزگار عضو دیگری از یک پیکر را به درد آورده بود و آرام و قرار را از دیگر اعضا گرفته بود. غم و محنت را می‌شد در چهره تک‌تکشان دید وقتی در بی جمع‌آوری مایحتاج مردم مصیبت‌دیده بودند. می‌شد یکسر راه جاده را در پیش بگیرند برای در آغوش گرفتن پدری داغدار و مادری داغ‌دیده و پاک کردن اشک کودکی یتیم، اما این بار قبل از هر چیز، مهیا کردن مایحتاج مردم بود که در اولویت قرار گرفت و سپس حضور مستقیم برای همدردی. جامعه ورزش بارها ثابت کرده که جزئی از مردم است و درد مردم، در همین جامعه و نفراتش است. همان‌هایی که گاه در میادین ورزشی پرچم پرافتخار کشور را به اهتزاز در می‌آورند و گاه با حمایت‌هایی بی‌دریغ خود به وقت لزوم واژه غرور و افتخار را برای ایران معنا می‌کنند. برای مردم کشوری که هیچ‌گاه پشت یکدیگر را خالی نمی‌کنند و در مواقع لزوم، همواره در کنار هم هستند. می‌خواهد این پشتیبانی و حمایت از روی سکوهای یک ورزشگاه برای موفقیت یک ورزشکار باشد یا گذاشتن مرهم بر دل زخم‌دیده یک زلزله‌زده به دست یک ورزشکار.

چرا تختی فراموش نشدنی است



**نوستالژی**  
**فریدون حسن**

وقتی اتفاقات تلخی چون زلزله تمام جامعه را درگیر می‌کند معمولاً پهلوانان و قهرمانان و آنها که ادعای مردم‌داری دارند با پیش می‌گذارند و سایه سری پناهان و نیازمندان می‌شوند. در کشور ما این داستان با حال و هوایی دیگر دنبال می‌شود. نمونه آن همین زلزله اخیر کرمانشاه که جامعه ورزش از بزرگ و کوچک را برای یاری به مردم بسیج کرد. اما هر قدر هم که این کمک‌ها و رسیدگی‌ها زیاد باشد باز هم نام یک نفر در تاریخ ورزش ایران و تمام کردن عهد و وظیفه نسبت به مردم می‌درخشد: «جهان پهلوان تختی».

به راستی تختی چه کرده است که هنوز بعداز گذشت نزدیک به پنج دهه از فوت او کسی را نمی‌توان جایگزین او نمود؟ مردم‌داری، رفتار پهلوانانه، دست‌گیری از زیردست و... چیزهایی است که از تختی درباره آنها زیاد شنیده‌ایم اما نوع رفتار تختی در زلزله بزرگ بوئین‌زرها به گونه‌ای بود که دوست و دشمن را به تحسین‌واداشت. ساعت ۲۲ و ۵۰ دقیقه ۱۰ شهریور ۱۳۴۱ زمین‌لرزه‌ای با قدرت ۷/۲ ریشتر شهرستان بوئین‌زرها را لرزاند و موجب به بار آمدن خسارت‌های فراوان و مرگ حدود ۲۰ هزار نفر از هموطنان شد. جامعه ایران بنا به عدم اعتمادی که به رژیم متعوس پهلوی داشت، مات و میهوت مانده بود که چگونه باید در این میان به کمک زلزله‌زدگان بشتابد بنابراین ملجا و خاستگاهی بهتر از پهلوان اولشان پیدا نکردند. تختی در اظهار نظری عنوان کرده بود که: «مردم جنوب شهر خود به خود کمک می‌کنند، این مردم شمال شهر هستند که باید حرکشان داد.» تختی برای همدل کردن جنوب و شمال شهر تهران به صورت پیاده از چهارراه ولیعصر راه افتاد و کاروان عظیمی را به راه انداخت. شاهدان عینی این ماجرای بزرگ می‌گویند مبلغ قابل توجهی جمع شد. مبلغی که تختی به همراه کمک‌های جنسی خود به بوئین‌زرها برد تا به دست مردم زلزله‌زده برسد.

الته حتی در این حرکت نیز قشر ضعیف جامعه بیشتر با تختی همراهی کردند، تا جایی که خیلی از نیازمندان از خود گذشتند و کمک کردند، نمونه آن خانمی بود که به لحاظ مالی محتاج بود اما چادرش را تقدیم کرد، تا مردی که هنگام بازگشت از محل کار کنش را با تمام محتویاتش به سمت تختی تپاب کرد تا سهمی در این کمک داشته باشد بدون آنکه جیب‌های کت را وارسی کند. لطف‌الله میثمی شاید بهترین تعبیر را در خصوص آن روز به کار برده باشد. او که از مبارزان درون رژیم ستم‌شاهی و از شاهدان این روز به یاد ماندنی است، می‌گوید: «به خاطرم هست وقتی که تختی کنسول به دست می‌گرفت و پول بجمع می‌کرد، مدتی نمی‌گذشت که کنسول پر می‌شد چراکه مردم برای کمک سر از پا نمی‌شناختند. در خیابان وحدت اسلامی این صحنه‌ها مکرر می‌شد، وقتی تختی کنسول می‌چرخاند جمعیتی عظیم هجوم می‌آوردند تا کمک کنند».

حسن رحیمی، قهرمان کشتی آزاد جهان و نفر سوم المپیک ریو در گفت‌وگو با «جوان»:

# کمک به هم‌نوع در مردم ایران ارثی است

عکس آقابختی را در روستایی مرزی دیدم



**گفت‌وگو**  
**شیدانوردوی**

**حوادث طبیعی هر از گاهی کشورمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما همین حوادث شرایطی را فراهم می‌کند که مردم ایران یک بار دیگر**

**اتحاد و همدلی خود را ثابت کنند.** زلزله کرمانشاه یکی از همان اتفاقاتی است که بسیاری از اهالی غرب کشور را داغدار کرد و خسارت‌های مالی فراوانی به جای گذاشت. سرد شدن هوا و آغاز فصل بارش از جمله مشکلاتی است که در روزهای اخیر مردم زلزله‌زده با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند. اگر چه زلزله ۷/۲ ریشتری کرمانشاه کام مردم را تلخ کرد اما حضور گسترده اқشار

باشند. هوا به شدت در این مناطق سرد است و مردم بیش از هر چیز به سرپناه نیاز دارند.

**از حال و هوای مناطق زلزله‌زده بگویید و اینکه مردم از نظر روحی در چه شرایطی بودند؟**

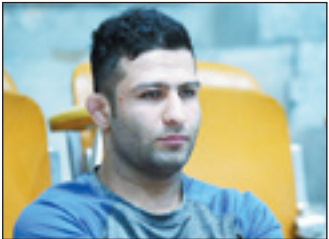
همان‌طور که انتظار داشتیم مردم منطقه همگی سردرد، گم، نگران و ناراحت بودند. خانه‌ها ویران شده، بسیاری عزیزانشان را از دست داده بودند و بسیاری هم زیر آوار بودند. جو سنگینی حاکم بود با این حال ورزشکاران خود را به کرمانشاه رساندند. باید تشکر کرد از همه چهره‌های ورزشی و هنرمندانی که برای کمک به میدان آمدند. خوشبختانه اهالی غرب کشور از نظر مواد غذایی و

مختلف برای کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان حیرت‌جهان را به همراه داشت. همان‌طور که انتظار می‌رفت اهالی ورزش در همان روزهای نخست پای کار آمدند و برای جمع‌کردن کمک‌های مردمی دست‌به‌کار شدند. ملی‌پوشان و مدال آوران کشتی، از جمله چهره‌های سرشناسی بودند که بی‌درنگ به کرمانشاه سفر کردند تا هم کمک‌های مردمی را توزیع کنند و هم با زلزله‌زدگان ابراز همدردی کرده باشند. حسن رحیمی نفر سوم المپیک ریو و قهرمان جهان در گفت‌وگو با «جوان» گوشه‌هایی از درد و رنج زلزله‌زدگان غرب ایران را مطرح کرد و از علاقه خاص مردم این خطه به کشتی گفت.

پوشاک مشکلی نداشتند؛ تنها مسئله‌ای که همه را نگران کرده کمبود سرپناه است که امیدواریم با رسیدن به موقت کانکس‌های این مشکل نیز برطرف شود. قطعاً با کمک مسئولان در این فصل سرما از درد و رنج مردم کاست می‌شود.

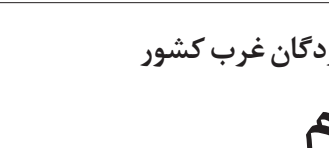
**با چه انگیزه‌ای به همراه سایر ملی‌پوشان به کرمانشاه سفر کردید؟**

این وظیفه همه ورزشکاران بود، به ویژه که کشتی به عنوان ورزش اول ایران مسئولیت سنگین‌تری هم دارد. از طرفی مردم خونگرم کرمانشاه خودشان اهل کشتی هستند، مسابقات این رشته را پیگیری می‌کنند و قطعاً از ما انتظار ویژه‌ای داشتند. در بین مردم بویسیم و آنها به ما می‌گفتند که حضورمان



پوشاک مشکلی نداشتند؛ تنها مسئله‌ای که همه را نگران کرده کمبود سرپناه است که امیدواریم با رسیدن به موقت کانکس‌های این مشکل نیز برطرف شود. قطعاً با کمک مسئولان در این فصل سرما از درد و رنج مردم کاست می‌شود.

**حضور ورزشکاران در بین مردم و حمایت از آنها در شرایط سخت چگونه نگاه مردم به ورزش را تغییر می‌دهد؟**



به بهانه حمایت و کمک تأثیرگذار جامعه ورزش به زلزله‌زدگان غرب کشور

## قهرمانان در کنار مردم



هستند، باشند. این مردم همان مردمی هستند که در دوران جنگ پیشترن آسیب را دیدند.» او همچنین در ادامه از مسئولان خواسته به فکر آینده زلزله‌زدگان باشند و آنها را فراموش نکنند:



**دایی را می‌توان یکی از مهم‌ترین چهره‌های ورزشی به حساب آورد که در زلزله غرب کشور از همان دقیق اولیه آستین‌هایش را بالا زد و به یاری زلزله‌زدگان شتافت. دایی با جمع‌آوری کمک‌های غیرنقدی و نقدی مردم تمام توانش را در کمک به زلزله‌زدگان به کار گرفت. علاوه بر چندین کامیون کمک‌هایی که به واسطه فراخوان دایی به مناطق زلزله‌زده اعزام شد، ۶میلیارد و ۸۰۰میلیون تومان هم میزان کمک نقدی بود که با هفته‌گذشته توسط دایی از کمک‌های مردمی جمع‌آوری شد تا او دست پر بتواند این کمک‌ها را به دست زلزله‌زدگان برساند. دایی حتی چند روز پس از زلزله خودش شخصاً به سرپل ذهاب رفت و بر توزیع کمک‌های مردمی نظارت کرد. «برای انجام یک کار مردمی و کمک به زلزله‌زدگان وارد گود شده‌ام و امانتدار و نماینده مردم هستم تا این کار را به سرانجام برسانم.»**

**دایی درباره حرکت مردمی‌اش هم این‌طور توضیح داده است: «درباره زلزله باید بگویم وظیفه‌ای ملی داریم که باید در کنار مردم باشیم و من به عنوان عضو کوچکی از جامعه احساس کردم که باید کاری انجام دهم. این زلزله باعث شد مردم ما بیشتر به فکر مرزنیشان که از جمله اقشار ضعیف**

## درد

**در بین مردم بودیم و آنها به ما می‌گفتند که حضورمان باعث دلگرمی‌شان شده. واکنش مردم به حضور ورزشکاران در مناطق زلزله‌زده کاملاً مثبت بود. یکی از افراد مناطق زلزله‌زده به من گفت با اینکه دو عضو خانواده‌ام را از دست داده‌ام اما حضور کشتی‌گیران و ورزشکاران دل‌مان را شاد کرد و به زندگی امیدوار شده‌ایم**

معتمد این حرکت‌های مردمی و فرهنگی از نسل‌های گذشته به ما ارث رسیده است. چند دهه گذشته آقابختی با جمع‌آوری کمک‌های مردمی شخصاً به بوئین‌زهارا رفتند و به مردم زلزله‌زده کمک کردند. کمک به هم‌نوع در مردم ایران ارثی است. کشتی‌ورزش ملی کشورمان است و مردم این رشته را دلی‌دنبال می‌کنند. به یک روستایی رفته‌ام در مرز ایران و عراق که در زلزله آسیب‌دیده و عکس آقابختی را در یک از خانه‌ها دیدم. در آن هوای سرد کمک‌های کمی به دست مردم رسیده بود ولی یکی از اهالی با من در مورد علاقه‌اش به ورزش، کشتی و کشتی‌گیران صحبت کرد. در زلزله کرمانشاه همه کمک کردند، از فوتبالی‌ها و علی‌دایی گرفته تا سایر ورزشکاران. شاید کشتی‌زودتر از سایر رشته‌ها وارد عمل شد اما در کل همه مردم حضور فعالی داشتند. دل همه مردم به درد آمد و برای کمک به هم‌نوع پای کار بودند. بعضی‌ها انفرادی و برخی‌ها هم گروهی کمک‌ها را جمع‌آوری کردند.

**کرمانشاه سال‌ها گذشته میزبان جام جهانی بود و حضور به‌موقع و فوری کشتی‌گیران خوشحالی مردم این استان را به همراه داشت.**

اهالی درد دلشان را با مادر میان می‌گذاشتند. شخصاً عاشق مردم هستم و همواره در مسابقات به عشق مردم‌داری تشک می‌روم و گرنه کشتی‌نه‌آینده‌ای دارد و نه از نظر اقتصادی درآمدزاست. ۱۵ سال است کشتی می‌گیرم و مبارزه می‌کنم اما اگر زندگی من را ببینید عادی و ساده‌تر از آن چیزی است که فکرش می‌کنید. با مردم‌مان زندگی می‌کنیم و این نعمت بزرگی است. یکی از خاطراتی که در این سفر در ذهن من باقی ماند همان صحنه‌ای بود که یکی از اهالی عکس آقابختی را نشان داد و گفت با قهرمانان و کشتی‌گیران زندگی می‌کنیم. در روستایی که خیلی‌ها تلویزیون هم نداشتند اما بودند کسانی که من را می‌شناختند. برایم واقعاً جالب بود که اهالی روستایی در مرزهای غربی کشتی‌های من در مسابقات مختلف المپیک و جهانی را تماشا کرده‌اند و به یاد دارند.

اینجانب کیانوش رستمی فرزند کوچک این ملت بزرگ که هنوز در این چند روز خواب به چشمانم نیامده بر خود وظیفه دانستم قسمی هر چند کوچک برای هموطنان زلزله‌زده کشورم برداشته و مدال طلای بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریورا که در واقع متعلق به همین مردم است به آنها بازگردانده و برای کمک به مردم زلزله‌زده غرب کشور به حراج بگذارم و عواید حاصل از آن را به زلزله‌زدگان غرب کشور اختصاص دهم. «قهرمان وزنه‌برداری جهان خودش نیز مانند دایی به مناطق زلزله‌زده رفت و کمک‌های مردمی را توزیع کرد تا با حضورش به زلزله‌زدگان غرب کشور دلداری بدهد.

**قوت قلب مردم زلزله‌زده**

علاوه بر دایی و کیانوش رستمی، قهرمانان مطرح کشورمان هم در زلزله کرمانشاه خارج از گود نشستند و به طرق مختلف مانند حراج مدال یا جمع‌آوری کمک‌های مردمی در کنار زلزله‌زدگان قسرا گرفتند. در این میان جامعه کشتی به یاد حرکت مردمی جهان پهلوان تختی که در زلزله بوئین‌زرها خودش کمک‌های مردمی را جمع‌آوری کرده بود، در جریان زلزله سرپل ذهاب هم کشتی‌گیران نامداری مانند حسن بزدانی، کمیل قاسمی، حسن رحیمی و قاسم رضایی به همراه رسول خادم به این مناطق رفتند و کمک‌های مردمی را بین مردم زلزله‌زده توزیع کردند تا نشان دهند که قهرمانان‌شان این مردم مصیبت‌زده را تنها نمی‌گذارند. حسن بزدانی قهرمان المپیک اینگونه حضورش را در روستای زلزله‌زده روایت کرده است: «در آخرین روستایی که حضور یافتیم مردمی که در سرمای سوزان در میان هوای بوند وقتی با ماسه صحتی می‌کردند گفتند همین اینکه شما کشتی‌گیران به میان ما آمدید باعث شد ما مقدری مشکلات خود را فراموش کنیم و این موضوع برای ما کشتی‌گیران یک دنیا اهمیت داشت.»